

البيئة



معرفی

صاحب امتیاز: مدیریت فرہنگی
مرکز آموزش نیمہ حضوری و مجازی
مؤسسہ آموزشی و پژوهشی امام خمینی (رہ)
مدیر مسؤل: سید محمد علی مطہری
مسؤل نشر: محمد علی سواعدی
سر دبیر: جواد خبازی علوی
صفحہ آرایی: اسماعیل جدائی
گرافیسٹ: محمد حسین بالندہ
ویراستار: معصومہ شہیدی
روابط عمومی: روح الہ کریم
امور اجرائی: حسین رجبی
دبیر شورای نویسندگان: حسین حجتی
امور مالی: علی رشید پور
پیام رسان ایتا: ۱ – @admins





سخن سردبیر

بهار معنوی

جواد خبازی علوی

آغاز هر کاری با نام خداوند متعال آغاز می‌شود. نام الله شامل تمام صفات خداوند است. صفاتی بی‌نهایت که انسان از درک آن عاجز است. برای این‌که انسان‌ها بتوانند قطره‌ای از این دریای عظیم را در وجودشان لمس کنند، خداوند خود را با صفات نیک معرفی می‌کند؛ چنانچه در آیات ۲۱ تا ۲۴ سوره حشر، او را با صفاتی که فقط لایق اوست، خطاب قرار می‌دهیم.

انسان زمانی صفات خداوند را - هر چند اندک - درک می‌کند که به ریسمان خداوند که همان معصومان (علیهم‌السلام) هستند، چنگ زند. همان طور که در آیه ۱۰۳ سوره آل عمران می‌فرماید: «وَأَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا».

از بین صفات خداوند متعال، صفت «رحمان و رحیم» بیشتر قابل استفاده است؛ زیرا هر روز در نمازهای یومیه، ده بار آیه شریفه «بسم الله الرحمن الرحیم» را قرائت می‌کنیم. صفت «رحمان و رحیم» در این آیه به وسعت و رحمت گسترده خداوند اشاره دارد؛ اما تفاوت این دو صفت در چیست؟

حضرت امام خمینی^{ره} در کتاب آداب الصلوه، رحمانیت خداوند را شامل همه موجودات عالم معرفی می‌کند و «رحیم» را ویژه مؤمنان خاص.

آمدن بهار یعنی رحمانیت خداوند، یعنی گسترده شدن رحمت‌های خداوند برای همه موجودات عالم.

چه زیباست که امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) را هم در زیارت نامه‌ایشان به بهار بشریت خطاب می‌کنیم: «السلام علی الربیع الأنام».

حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) همان رحمت خداست که رحمان و رحیم بودن خداوند در او نقش بسته است. مولای ما رحمان است که با آمدنش، رحمت گسترده به همه موجودات عالم هدیه می‌شود و رحیم است تا شیعیان و مؤمنان خاص از او بهره‌مند شوند و آیندگان بدانند که جهان برای مستضعفان خواهد بود. «و نُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتَضَعُوا فِي الْأَرْضِ وَ نَجْعَلَهُمْ أُمَّةً وَ نَجْعَلَهُم الْوَارِثِينَ».





خادم

دل تکانی



«السلام عليك يا ربيع الانام و نضره الايام؛ سلام بر بهار انسانها و خرمی روزگار».

بهار زمین همیشه برایمان خاطره‌ای زیبا و رویدادی مهم است از پایان سرما و تاریکی، سبزی و سخاوت زمین و رستاخیز طبیعت ...

چقدر زیبا و حکیمانه پیامبر مهربانمان می‌فرمایند: «اذا رایتم الربی عفا کثروا ذکر النشور؛ هر وقت بهار را دیدید، بسیار از قیامت یاد کنید».

همان گونه که برای استقبال از بهار، این حادثه باشکوه زمین، اموری مانند خانه‌تکانی، نظافت، خرید لباس‌ها و وسایل نو و ... را بر خود لازم می‌دانیم، برای ظهور آقا که بهار دل‌هاست و پایان ظلم و ستم جهانی و برپایی عدالت در کل دنیاست (و صد برابر از فرا رسیدن فصل بهار مهم‌تر است)، باید که «دل‌تکانی» کنیم.

دل‌تکانی یعنی زدودن هر چه مانع درک حضور است، یعنی جاری شدن عدالت در تکتک سلول‌های فرد منتظر، یعنی به فکر همه بودن.

در یک کلام و به تعبیر شهید مطهری: «صالح شدن برای مصلح شدن...».

همانند سردار دل‌ها

اگر دل‌تکانی نباشد، ظهور مانند فرا رسیدن بهار برای درخت خشکیده است که آمدنش، در حال او تأثیری ندارد.... «حول حالنا الی احسن الحال».

چرخان



حسرت را با آرزو
حالت را با محال
یا مدبر را با لیل و النهار
یا مقلب القلوب





فاطمہ ملک محمد

حیات دل



در بہار دلم، فقط تو روییدی.
تویی کہ بہترین ہا را بہ من بخشیدی.
مثل گل ہا، زیبایی و مثل خورشید روشنی بخش.
بہار، فقط با تو معنا می شود. معنایی بہ وسعت عشق.
عشقی کہ تو بہ وجود آوردی، پروراندی و نگہ
داشتی.

عشقی کہ عزیزتر از جانم می دانمش.
من بہار را شناختم کہ ہمہ اش تویی.
ہر بار گل نرگس را می بویم،
مست می شوم و تمام وجودم بہار می شود.
ای بہار و عیدم، ای زیبایی و روشنایی ام،
ای قلب و جانم، ای تمام عشقم، بہ چشمانم رحم کن
و این بہار، چشم ہایم را، با قدم ہایت روشن کن، ای
منجی عالمیان.

چرخان





سیده کبری فخر حسینی

یوسف گم گشته

شنیده‌ای؟

می‌گویند چند روز دیگر، زمین قدری که چرخید،
دنیا دگرگون می‌شود و نو... .

گمانم نمی‌رود اینطورها هم باشد، زمین که دارد
می‌چرخد، ماهم که همانیم، پس چه می‌گویند این
جماعت روان درکوچه‌ها؟

تنها چیزی که من می‌بینم، بیداری زمین خفته
است و عبرتی برای من ... که نمی‌گیرم.

بعضی‌ها هم در این لحظه‌ها فال حافظ می‌گیرند.

کاش فال امسال همه دنیا، یک‌دست «یوسف گم

گشته بازآید» شود. گفتم «یک‌دست». این را

خیلی دوست دارم، یک‌دست همه چشم‌ها که

گریان شود، یک‌دست همه سرها که پایین بیاید و

یک دست همه دست‌ها که بالا رود، خبری که

یقیناً در راه است.

همه این‌ها بسیار ساده هستند؛ ولی دست یافتن

به آن‌ها، نه چندان، و اما نتیجه، چیزی است

شبییه معجزه. همان چیزی که می‌تواند جهانی را

زیر و رو کند... .

اللهم عمل لولیک الحسنة





مرضیه طالبی

من یک سرباز هستم

«من یک سرباز هستم». این جمله باب الفتوحی است به عالمی دیگر؛ عالمی که لازم نیست تو حتماً یک نظامی باشی تا آن را درک کنی. برای درک این جمله، انسانیت باید داشت.

و من فکر می‌کنم همه ما، معنی تام این جمله را درک کردیم که آن گونه او را در آغوش گرفتیم و برایش گریه‌ها کردیم و ضجه‌ها زدیم و در حقیقت این ضجه‌ها نه از روی احساسات ملی که از روی خلوصی تمام نشدنی بود. خلوصی که از دل یک سرباز برآمد و بر دل همه انسان‌های آزاده دنیا نشست.

اینجا دیگر جای من و تو و ایرانی و کرمانی نیست. اینجا محل طلوع عشق است و هر کس ذره‌ای انسانیت در نهان‌خانه دلش باشد، روشنایی‌اش را درک می‌کند.

تو آری، تو حتی اگر نظامی نباشی و یا ایرانی نباشی و یا شیعه و حتی مسلمان نباشی، فقط کافی است که گوشه‌ای از دلت هنوز زنگار نگرفته باشد؛ آنوقت است که تو خود می‌شوی انعکاس آن مرد بزرگ... .

و گواه این حرف من اشک‌هایی خواهند بود که با یاد او از دل فرزندان آدم فوران می‌کنند و از گونه‌هایش جاری می‌شوند.

الحق که تو «سردار دل‌ها» بودی، و این خود، بابی دیگر است در مرام عاشقان... .

سردار، خوشا به سعادتت، تویی که یکتنه این همه عاشق پروراندی، عاشقانی که با رفتنت شیداتر شدند، شیداتر... .

چرخان





عاشقانه‌های یک بی‌شناسنامه

اعظم عیدی

پس از کلی آواربرداری که شاید چندین صد روز طول می کشد، نخستین کاری که باید بشود، تعامل با دنیاست. بالاخره از قدیم گفته‌اند: «آزموده را آزمودن رواست»؛ به‌ویژه از نوع کدخدایش!

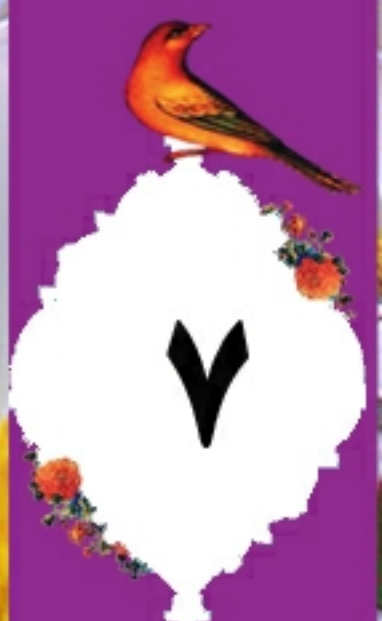
اصلاً در صفحه نمی‌دانم چند منشور حقوق شهروندی آمده: «مؤمن واقعی که پیدا نمی‌شود؛ ولی اگر شد، از یک سوراخ حداقل دو تا سه بار گزیده می‌شود»؛ البته ما با پا پس می‌زنیم، با دست پیش می‌کشیم! اهل کوفه هم مثل ما نیستند! الآن نه‌تنها سانتریفیوژ و اقتصاد، که دنیا هم دور سرم می‌چرخد.

مادربزرگم می‌گفت: «با این کلاس‌های مجازی، شما به اکابر ما هم نمی‌رسید». شاید ریاضی‌مان هم نم کشیده، صفرها کم رنگ که نشده هیچ، الآن پررنگ‌تر هم شده؛ البته شاید قابلیت آستیگمات! چشم‌هایم فعال شده. خدای قبول کند هر چه قیمت مصرف‌کننده است را دو مقابل می‌بینم. امان از بدبینی! سرگیجه‌ام هم فعال شده: «دهنت رو ببند»، «وایستا عقب»، «دستت رو بنداز»، «مشکوکی»، «بکش پایین کرکره رو» و ... به خدا خود ستاد کرونا می‌گوید از قول بچه‌های شوخ محل.

دیروز اکبر نیم‌سیبیل که املت بی‌کره و گوجه و تخم‌مرغ می‌پزد! این روزها قاطی کرده، معرکه گرفت و با ژست پاسبان خدمت‌مان افاضه کرد: «دو تا صله ارحام داشتی، یک سبقت ممنوع، مسجد هم که رفتی، با سه تا قسط معوقه و یک تشییع جنازه، جمعاً دیگه به شما یارانه تعلق نمی‌گیره. زیادم اعتراض کنی، مسکن اشتباهی (اجتماعی) هم توقیف می‌شه».

وقتی بوی ادکلن جو خرفت از آن طرف ینگه دنیا زرتی نرخ دلار را پایین می‌کشد، باز هی تو خط و نشان لمپنی بکش. باسواد، باشناسنامه، باتجربه، کلیددار، رفیق فابریک کدخدا! تو یک چیزی بگو!!

جوانی





زہرا سواعدی

مرغش ہمیشہ یک پاداشت

و این معما منو رنج می داد کہ چرا ہمیشہ باید مرغش یک پا داشته باشه؟
آخر مگر می شود چنین چیزی؟
پس از مدت ها خودش قضیہ را گفت...
موقع خرید مرغ، ہمیشہ یک رانش را بہ مرغ فروش محل می سپرد تا بہ دست خانمی مستحق برسونه؛ بہ خاطر همین مرغی کہ برای خانہ می خرید، ہمیشہ یک پا داشت... .

سیدہ کبری فخر حسینی

تلنگر

سرش را از زیر پتو بیرون آورد صدایی جز تیک تاک ساعت نمی آمد؛ روز اول عید ہمیشہ با نان سنگگ می آمد دلش برای خندہ هایش تنگ شدہ بود حالا او باید بہ دیدنش می رفت اشک چشمانش را پاک کرد و جعبہ خرما را برداشت ...

پلاک سپر





محیا ایرجی

درد عشق



عاشقی گفت کہ غمها همه درمان دارد
و صد اندوه و فغان، رنج فراوان دارد
ولی آن غم کہ مرا این همه رسوا کرده
درد عشق است کہ آتش به دل و جان دارد

پلاک سبز



بگذار ایمانت همچون طبیعت شکوفه کند

و ناگهان جبرئیل پیام آورد: «یا ایُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا آمِنُوا». مهم‌ترین پرسشی که در ذهن‌ها پیش آمد، این بود که این تأکید بر ایمان آوردن، به چه معناست؟ بشر امروز دچار نوعی سردرگمی است که از آن به «بحران هویت» تعبیر کرده‌اند. سردرگمی‌ای که در بزنگاه‌های اخلاقی و معرفتی، ما را سرگردان می‌کند.

خدای متعال به وسیله‌آدیان و آخرین دین آسمانی (اسلام) برای بسیاری از بحران‌های فردی و اجتماعی ما دستوراتی مشخص قرار داده است. طبیعت که یکی از بزرگ‌ترین مخلوقات خداست نیز، یک الگوی زیستی و معنوی برای ماست. چرا طبیعت هر ساله نو می‌شود؛ اما ما همچنان رسوب بسته‌ایم؟ آیا باورها، رفتارها و ایمان ما همچون یک نرم‌افزار، قابلیت به‌روزرسانی دارد؟

بله، ما محکوم به نوسازی باورها و ایمان خود به صورت نوبه‌ای هستیم، در زمانه‌ای که سرعت علم صدها برابر شده است، این نوسازی، ضرورتی صد چندان پیدا می‌کند. اگر خودمان و ایمانمان را به‌روز نکنیم، هم از علم عقب می‌مانیم، هم از معنویت؛ اما به راستی نوسازی ایمان به چیست؟ نوسازی به معنای تغییر اساسی نیست. خداوند در باور ما همیشه واحد است و اهل بیت (علیهم‌السلام) در متن زندگی شیعیان دارای جایگاهی همیشگی‌اند. در تاریخ و روایات مکرراً نقل شده که شیعیان به اهل بیت (علیهم‌السلام) مراجعه کرده و ایمانشان را عرضه می‌کردند.

پس از جوانه زدن شکوفه‌های ایمان در خود باید به فکر محکم کردن ریشه‌های آن هم بود. حال چگونه می‌شود ریشه‌های جوان ایمان را محکم کرد؟ مراقبت بارهایی را از روی دوش انسان‌ها برمی‌دارد. آن‌گاه که انسان سبک می‌شود و امکان پرواز به سوی حق را پیدا می‌کند. قوت اصلی بشر، نور خداست و هیچ چیز غیر از خدا نمی‌تواند روح را پرورش دهد. باید ایمان را از غار زمستانی و رکود سرد آن بیرون آوری و تمام خودت را بیدار کنی. همانطور که پیامبر اسلام (ص) فرمود: «عَوِّدُوا قُلُوبَكُمْ التَّرَقُّبَ؛ دل‌های خود را به مراقبت عادت دهید».

آیت‌الله مصباح (ره) در کتاب اخلاق در قرآن، ساحت‌های چهارگانه‌ای را آورده‌اند که از رفتار با خدا، رفتار با خود، رفتار با دیگران و رفتار با طبیعت سخن می‌گوید. آیا به واقع ما در عباداتمان، در خلوتمان با خود، در رفتارمان با دیگران و در رفتارمان با طبیعت،

آنگونه که قرآن و اهل بیت (علیهم‌السلام) از ما خواسته‌اند، رفتار می‌کنیم؟ در نهایت همانطور که خدای متعال فرمود: «یا ایُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا آمِنُوا»، ما نیز در عصر تحولات، انفجار اطلاعات و جامعه جهانی برای حفظ و به‌روز رسانی باورها و هویت دینی خودمان، نیاز به تلاش و به‌روز رسانی نرم‌افزار دینت، همگام با نو شدن و به‌روز شدن طبیعت داریم.



زهرا سواعدی

حساسیت فصلی

بهار فصلی پراز تازگی و طراوت است؛ فصلی به زیبایی گل‌های رنگارنگ، فصلی پراز جنب و جوش و حرکت و فعالیت، پراز نشاط، پراز شکوفایی و پراز جوانه... .

درکنار این زیبایی‌ها، گاهی فصل بهار برای برخی افراد، آغاز درد سرهایی است که هر ساله با آن درگیرند. با آغاز فصل بهار و فعالیت گیاهان و گرده افشانی گل‌ها، برخی افراد دچار حساسیت فصلی می‌شوند.

گرده گیاهان در بدن برخی افراد، ایجاد پاسخ‌های آلرژیک می‌کند. با ورود این عوامل حساسیت‌زا به بدن فرد، سیستم ایمنی آنرا به عنوان یک عامل بیگانه (مانند ویروس، باکتری و میکروب) تلقی می‌کند و به آن پاسخ می‌دهد. این پاسخ، ترشح ماده‌ای به نام هیستامین است.

در اثر ترشح بیش از حد هیستامین، فرد به حساسیت و آلرژی دچار می‌شود. حساسیت‌های فصلی معمولاً با شروع فصل بهار آغاز می‌شود و گاهی تا اواخر فصل تابستان و حتی آغاز فصل پاییز ادامه دارد.

معمولاً دوره این حساسیت‌ها، ده تا چهارده روز است؛ اما در مواردی که فرد، بیماری زمینه‌ای دارد یا سیستم ایمنی‌اش ضعیف است، بیماری مدت طولانی تری فرد را درگیر می‌کند.

نشانه‌ها: عطسه، سرفه، تورم، سوزش و قرمزی چشم‌ها، آبریزش بینی، خارش گلو، مشکلات پوستی و جلدی (مانند: کهیر، سردرد، خارش گوش، آسم و حساس شدن سینوس‌ها).

باید توجه داشت که حساسیت را با بیماری‌های ویروسی (مانند سرماخوردگی، آنفلوآنزا یا کرونا) اشتباه نگیریم.

تفاوت عمده‌ای که آلرژی با بیماری‌های ویروسی دارد، این است که بیماری‌های ویروسی معمولاً با تب، کوفتگی عضلانی، بی‌حالی مفرط، گلو درد شدید و... همراه است.

توصیه‌های طب سنتی برای افرادی که به حساسیت فصلی دچار می‌شوند:

- * در صورت امکان از خانه خارج نشوند.
- * از رفتن به باغات و مزارع خودداری کنند.
- * روزانه حتماً آنتی‌هیستامین‌های طبیعی استفاده کنند.
- * اسپری گلاب یا سرکه سیب طبیعی در محیط، بسیار موثر است.
- * از استرس زیاد دوری کنند.
- * حجامت در کنترل بیماری و حتی درمان آن، تأثیری شگرف دارد.
- * استفاده از عطرها، ادکلن‌ها و اسپری‌های شیمیایی سبب تشدید بیماری می‌شود.

* از مصرف میوه یا ادویه‌های محرک و حساسیت‌زا (مانند آناناس، توت‌فرنگی، کیوی، زنجبیل، فلفل سیاه و فلفل قرمز) خودداری کنند.

* تغذیه را اصلاح کنند؛ مثلاً مصرف سرخ‌کردنی‌ها را به حداقل برسانند.

* استفاده از میوه و سبزیجات تازه به ویژه گیاهان دارای ویتامین C (آسکوروبیک اسید) - که باعث بالا رفتن سطح آنتی‌اکسیدان‌ها و کاهش رادیکال‌های آزاد شده می‌شود و کنترل بیماری را راحت‌تر می‌کند.

* روغن مالی بدن با روغن بادام یا زیتون، به کاهش خارش و خشکی پوست، بسیار کمک می‌کند.

* چکاندن روغن بنفشه در بینی و گوش باعث تقویت مخاط و غدد لنفاوی می‌شود.

آنتی‌هیستامین‌های طبیعی:

پیاز، سیر، نعناع، بابونه، ترخون، گزنه، ترنجبین، عناب، جوان، نخود فرنگی، سیب، لیمو ترش، کاسنی، شلغم، انار، هلو، رازیانه، خاک‌شیر، تخم‌شربتی، سرکه انگبین و... .

و در پایان پیشنهاد می‌شود افرادی که حساسیت فصلی دارند، این آنتی‌هیستامین‌های طبیعی را روزانه مصرف کنند تا از شدت بیماری کاسته شود. سالم و تندرست باشید....

منبع: بخش سلامت سایت namnak.com



عطیه مجدآرا

بهار از دیدگاه روایت‌های معصومان (علیهم‌السلام)

۱. قرآن، بهار دل‌ها
مولای متقیان، حضرت علی (ع) در این باره فرمودند:
«تعلّموا القرآن فانّه احسن الحدیث و تفقهوا فیه فانّه ربیع القلوب؛ قرآن را بیاموزید که بهترین سخن است و خوب در آن دقت کنید که بهار دل‌هاست».
۲. پیامبر خاتم (ص) بهار امت اگر بشریت و امت اسلام را به سال تشبیه کنیم، بهترین دوران این سال، دوران حیات رسول اللّه (ص) است که به برکت وجود بهار گونه و نازنین او، باران آیات قرآنی به عنوان بزرگ‌ترین رحمت الهی بر فراز دل‌های کویری عصر جاهلیت باریدن گرفت و پس از مدتی، نقاط حاصل‌خیز سراسر دنیا را از آن زمان تاکنون گلزار کرد.
۳. مهدی (عج) بهار ایام در برخی ادعیه و زیارات، از یگانه خورشید عالم‌تاب، حضرت مهدی (عج) نیز به بهار روزگار تعبیر شده است. چنانچه در زیارت‌نامه حضرت می‌خوانیم: «السلام علی ربیع الانام و نظره الایام».
۴. دوره جوانی، بهار عمر بسیاری از مفسران، دوران جوانی را که حائز شادابی و طراوت عمر انسان است، به بهار عمر تعبیر کرده‌اند.
حضرت علی (ع) می‌فرمایند: «و انما قلب الحدث کالارض الخالیة ما القی فیها من شیئ قبلته». همانا قلب نوجوان، مانند سرزمین خالی است که آمادگی پذیرش هر نوع بذری را دارد که در آن کاشته شود. پس چه بهتر که در این سرزمین مستعد، بذره‌های معارف الهی کاشته شود.
۵. ماه رمضان، بهار قرآن امام باقر (ع) در این باره می‌فرماید: «لکل شیء ربیع و ربیع القرآن شهر رمضان؛ یعنی همه اشیا، بهاری دارد و بهار قرآن، ماه رمضان است».

نهج البلاغه، خطبه ۱۱۰

نهج البلاغه، نامه ۳۱

اصول کافی، ج ۲





این خارجی چی چی می‌گه؟!
برداشت از شما، جایزه از ما.
متن انگلیسی نشریه جوانه رو بخونید
و برداشت خودتون رو به زبان فارسی برای ما به
آیدی ایتا [@admins_1](https://t.me/admins_1) بفرستید.
به بهترین متن، جایزه می‌دیم.

چارخونه



مهلت ارسال تا ۳۰ فروردین ۱۴۰۰



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



Peacemaker

Peacemaker

Someone born and someone die

Life is passing, come clean

Life stories are different

Someone laugh and someone keen

Someone who is peacemaker

Someday will come, as I ween

Someone who is great and

Someone who I believe in

He will come and dole will die

The bloodthirsty will steen

The peacemaker of the world

Will paint the world see-green

Someone who I believe in

Someday will come, as I ween

Peacemaker: a person who makes or brings about peace, conciliator.

Come clean: make a clean breast of it, confess

Keen(v): wail, weep, and cry, sob and sorrow

Ween: think, believe.

Dole: sorrow, lament.

Bloodthirsty: eager for bloodshed, murderous, savages.

Steen: stone a person; put to death by stoning.

Sea-green: a pale bluish green.

By

Fatima savaedi

نویسنده: فاطمہ سواعدی

translation of the day



HSITGNE



۱۴



مزایا

- تحصیل در منزل
- بدون محدودیت سنی
- تنوع در تخفیف شهریه
- اعطاء مدرک معتبر وزارت علوم
- سهولت آموزش و صرفه جویی در وقت
- کمترین شهریه نسبت به مراکز مشابه
- بیش از ۳۰ مرکز آزمون در سراسر کشور
- امکان استفاده از خوابگاه در ایام امتحانات
- پرداخت شهریه به صورت اقساطی با هر توان مالی
- خط سیر آموزشی، کلاس آنلاین، پیامگاه، سی دی و جزوه



مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)

مرکز آموزش مجازی

مجری دوره های آموزشی ضمن خدمت
و برگزاری آزمون های اینترنتی

ارتباط با ما

www.ikvu.ac.ir

lkvu@qabas.net

@ikvu_ac_ir

@ikvu_ac_ir

۰۲۵-۳۲۹۰۸۱۹۳-۵

۰۲۵-۳۲۹۲۳۵۷۰

روابط
عمومی

